



رده‌شناسی و روش‌شناسی فرهنگ‌های فارسی قرن ۱۳ هجری در هند و پاکستان

ثریا پناهی

رواج و گسترش زبان فارسی در هند، در مسیر تاریخی خود، صرف نظر از مشترکات ریشه‌ای به لحاظ جایگاه این زبان در شاخه‌ی زبان‌های هندوایرانی از خانواده‌ی هندواروپایی معلول علت‌های دیگری بوده است. از جمله مهم‌ترین آنها، پس از ورود غزنویان به آن سرزمین، مهاجرت شاعران، نویسندگان و مبلغان دینی ایران به شبه‌قاره و نیز تشویق و حمایت درباریان از این افراد را می‌توان ذکر کرد (مؤذنی ۱۳۷۲: ۱-۴).

طی دورانی که زبان فارسی از جمله زبان‌های رایج در شبه‌قاره بود، آثاری متنوع، از جمله فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها، به همت ایرانیان یا بومیان آن سرزمین که با زبان فارسی انس و الفت داشتند پدید آمد.

این نکته حایز اهمیت است که شبه‌قاره در قرن ۱۳ به لحاظ زبانی در مرحله‌ای از دگرگونی و تحول به سر می‌برده است. فارسی کار ویژه‌ی پیشین خود را از دست می‌داد و جای آن به تدریج به زبان اردو سپرده می‌شد. با این همه، در تألیف فرهنگ‌ها، زبان فارسی جایگاهی برتر از سایر زبان‌ها (عربی-اردو) داشت.

نقوی (۱۳۴۱: ۱۴-۱۵)، در طبقه‌بندی فرهنگ‌های فارسی شبه‌قاره، سه دوره‌ی تاریخی-سیاسی، که با تغییر و تحولات فرهنگ‌نویسی روابط متقابل دارند، قایل شده است: دوره‌ی اول، قرن هفتم تا نهم هجری؛ دوره‌ی دوم، قرن دهم تا سیزدهم هجری؛ دوره‌ی سوم، قرن

چهاردهم هجری. این طبقه‌بندی، فراتر از آنچه عنوان کتاب (فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان) القا می‌کند، انواع فرهنگ‌های دوزبانه یا چندزبانه را در بر می‌گیرد.

اما موضوع بررسی در این مقاله، رده‌شناسی و روش‌شناسی فرهنگ‌های فارسی قرن ۱۳ در شبه قاره است. بر اساس آثار موجود در این مقطع زمانی، به این پرسش باید پاسخ گفت که چه روش یا روش‌هایی را می‌توان در این رده‌بندی اختیار کرد.

در طبقه‌بندی علمی فرهنگ‌ها، زبان‌شناسانی چون آلن واکر رید^۱ و القاسمی تقابل‌هایی لحاظ کرده‌اند که در فرهنگ‌های این سده مصداق ندارد (برای اطلاع بیشتر ← هاشمی میناباد ۱۳۷۱: ۹۹-۱۰۲). تنها طبقه‌بندی یاکوف مالکیل^۲ است که احتمال کاربرد آن در مورد فرهنگ‌های قرن ۱۳ شبه قاره وجود دارد. این طبقه‌بندی مبتنی است بر اصل گستره (شمار مدخل، شمار زبان‌ها)، دیدگاه (بعد اصلی: هم‌زمانی یا درزمانی، آرایش وازگانی، لحن)، و طرز ارائه یا عرضه (تعاریف، شواهد و مثال‌ها) نه تقابل‌های دوگانه برای تمایز فرهنگ‌ها (همو، ۹۷-۹۸). اما، با اختیار این روش نیز از طبقه‌بندی دقیق فاصله خواهیم گرفت. از این رو، برای توصیف مستقل فرهنگ‌های مورد نظر، چهار رده زیر پیش‌نهاد می‌شود:

۱. فرهنگ‌های متون ادبی ۲. فرهنگ‌های تخصصی ۳. فرهنگ‌های آمیخته ۴.

فرهنگ‌های بی‌هنجار

ابتدا تعریفی از هر رده ارائه، سپس فرهنگ‌های موجود متعلق به آن معرفی و روش‌ها بیان می‌شود.

۱. فرهنگ‌های متون ادبی بر آن دسته از فرهنگ‌ها اطلاق می‌شود که بر مبنای متون کلاسیک منظوم و منثور، برای استفاده خوانندگان آنها و رفع مشکلات آنان فراهم آمده است. مطابق طبقه‌بندی تامس سبیاک^۳ (به نقل از هاشمی میناباد ۱۳۷۱: ۹۸)، شاید بتوان این نوع فرهنگ‌ها را استخراجی^۴ خواند؛ چون، طبق تعریف سبیاک، «فرهنگ استخراجی برگرفته از متون مکتوب است».

این نوع فرهنگ‌ها محصول ادامه فعالیت فرهنگ‌نویسان پیشین است. به قول داعی‌السلام (۱۳۶۲: ج ۵، دیباچه، ۴۶)، «آنچه در قرن سیزدهم نوشته شده تقلیدی از

1) Allen Walker Reed

2) Yakov Malkiel

3) Thomas Sebeok

4) abstracted

فرهنگ‌های ماقبل است». در این گروه، فرهنگ‌نگاران، متنی را مبنا قرار داده و به استخراج واژگان، ترکیبات و اصطلاحات به کار رفته در آن پرداخته‌اند. از این نوع است: فرهنگ سکندرنامه (نقوی، ۱۳۴۱: ۱۹۵) تألیف سید بن حسن، شامل شرح واژگان و اصطلاحات اسکندرنامه نظامی؛ فرهنگ لغات دساتیر (همو: ۱۸۹-۱۹۲) که در ۱۸۱۶/۱۲۳۱ نگارش آن پایان یافت و، همراه متن دساتیر، چاپ شد؛ فرهنگ جعفری (همو: ۱۲۷) تألیف جعفر علی‌خان در ۱۸۴۳/۱۲۵۹ که شامل واژگان شاهنامه فردوسی است؛ فرهنگ نایاب (همو: ۱۹۳) تألیف محمدهادی در ۱۸۴۹/۱۲۶۵، که همراه با متن شبنم شاداب از ملاظهیرای تفرشی به چاپ رسیده و شامل واژگان این متن است؛ فرهنگ گلستان (همو، ۱۹۴-۱۹۵) تألیف جنید عبدالله موسوی که، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، حوزه کار، در آن، گلستان سعدی بوده است.

مرز واژگانی این فرهنگ‌ها محدود به خود متن است؛ آوانگاری‌ها بر اساس شیوه توضیحی* است؛ بنا بر سلیقه، در برخی از این فرهنگ‌ها مانند فرهنگ نایاب، آوانگاری توضیحی برای همه مدخل‌ها انجام نشده است. در حوزه معنایی، مفاهیم به صورت تعریفی همراه با شواهد شعری است. دستاورد حاصل از بررسی این دسته نشان می‌دهد که فرهنگ گونه‌های مذکور، در اصل، شرح و توصیفی بر متون ادبی هستند.

نمونه این نوع تألیف‌های توصیفی را امروزه می‌توان در کتاب‌هایی نظیر، تصحیح و توضیح گلستان سعدی به کوشش غلامحسین یوسفی (۱۳۶۸) و نیز دیوان حافظ به کوشش خلیل خطیب رهبر (۱۳۷۰) مشاهده کرد.

۲. فرهنگ‌های تخصصی که فقط شامل دو حوزه ادبی و پزشکی است. فرهنگ‌های حوزه ادبی به آن دسته از فرهنگ‌ها گفته می‌شود که مدخل‌های آنها صنایع و اصطلاحات ادبی‌اند و با هدف آموزش ادبیات فارسی به نوآموزان تدوین شده‌اند، ذیلاً

* منظور از شیوه‌های توضیحی آن دسته از آوانگاری‌هایی است که در آنها تلفظ هر لغت را با استفاده از یک «عبارت» توضیح می‌دهند. این شیوه‌ها را می‌توان به سه گروه متفاوت تقسیم کرد: شیوه تعریفی، شیوه قیاسی، شیوه تعریفی-قیاسی. در شیوه تعریفی، تلفظ هر لغت با استفاده از یک «تعریف» توضیح داده می‌شود. مثلاً: صیغ بالکسر و غین معجمه (غیاث‌اللغات). در شیوه قیاسی، تلفظ هر لغت با «قیاس» به تلفظ یک لغت هم‌وزن به دست داده می‌شود. مثلاً تبار بر وزن قطار (بوهان قاطع). در شیوه تعریفی-قیاسی، تلفظ هر لغت با استفاده از یک تعریف و یک قیاس معلوم می‌گردد. مثلاً استوار به ضم اول بر وزن خشگوار (بوهان قاطع) (طیب‌زاده قمصری، ۱۳۶۸، ۷۴-۷۶).

چند عنوان از آنها معرفی می‌شوند:

مظهرالعجائب (نقوی، ۱۳۴۱: ۱۷۲-۱۷۳) که در نیمه اول قرن ۱۳ به همت میرزا محمدحسن قتیل تهیه شده است. وی، در تدوین این مجموعه، اسامی، صفات، اصطلاحات و صنایع شعری از جمله تشبیهات را از متون ادبی و نیز از سایر فرهنگ‌های پیشین، نظیر فرهنگ رشیدی، استخراج کرده است. در ۱۲۶۸/۱۸۵۲، محمدحسین راقم، فرهنگ بحر عجم (همو، ۱۷۰) را تألیف کرد. حاصل آن نیز، مانند مظهرالعجائب، علاوه بر مصدرها و اصطلاحات، شامل تکواذهای اشتقاقی و صورت‌های ترکیبی آنهاست. خیابان گلشن (همو، ۲۰۵) از شیخ محمدعلی که در سال ۱۲۸۰/۱۸۶۳ تألیف شد. در این اثر، بحرها و اوزان عروضی با گلچینی از قطعات چند مثنوی معرفی شده است. مجموعه مترادفات (همو، ۱۷۷) تألیف منشی محمدپادشاه، صاحب فرهنگ آندراج، به سال ۱۲۹۱/۱۸۷۵ است. این اثر نیز شامل کنایه‌ها، تشبیهات، اصطلاحات و مترادفات است. اصطلاحات الشعرا (همو، ۱۷۷-۱۷۸) از رحیم‌الدین بن کریم‌الدین که در آن افعال مرکب به کار رفته در اشعار معرفی شده‌اند. جواهر المصادر (همو، ۱۷۹) که فقط شامل مصادر بسیط فارسی است.

در این حوزه، فرهنگ‌نگاران، مقصود و مخاطبان خود را مشخص کرده‌اند. مدخل‌ها دارای ترتیب الفبایی در حدّ دو حرف آغازین است. شیوه خاصی در ارائه تلفظ رعایت نشده است. تعاریف گاهی مختصر و گاهی مفصل است.

در حوزه پزشکی، تنها دو فرهنگ مهم سراغ داریم: یکی تحقیق‌الاوزان (نقوی، ۱۳۴۱: ۱۶۹) از عبدالله صدیقی که در سال ۱۲۶۴/۱۸۴۸ تألیف شد و شامل دوست و پنجاه وزن از اوزان و مقیاس کاربردی در زمینه طب و فقه است؛ دیگری مخزن‌الادویه (همو، ۱۶۶-۱۶۷)، از سیدمحمدحسین عقیلی خراسانی که در اواخر قرن تألیف شد، و شامل واژگان بسیط طبی است. در مقدمه هر دو فرهنگ، مقصود از تألیف و ملاک انتخاب مدخل‌ها مشخص شده است. ترتیب الفبایی در آرایش واژگانی رعایت شده و آوانگاری هم از نوع توضیحی (تعریف) بوده است.

۳. فرهنگ‌های آمیخته. رده سوم این طبقه‌بندی آن دسته از فرهنگ‌ها را شامل می‌شود که معمولاً به عنوان فرهنگ فارسی معرفی شده‌اند (صادقی، ۱۹۹۵: ۳۸۹، داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲: ج ۵، دیباچه، ۴۵-۴۷). منظور از «آمیخته»، اشاره به درآمیختن

بخش تعریف و توصیف واژگان با مترادفات اردو و با درج مدخل‌های غیر فارسی نظیر عربی، ترکی و اردوست. از جمله این دسته فرهنگ‌ها هستند: شمس‌اللغات، از نویسنده‌ای ناشناس که به کوشش جوزف پرتوی^۵ انگلیسی در ۱۸۰۴/۱۲۱۹ تألیف شده است و شامل واژگان فارسی، عربی و مدخل‌های دایرة‌المعارفی است. غیاث‌اللغات از محمد غیاث‌الدین که در ۱۸۲۶/۱۲۴۲ تألیف شده و شامل واژگان فارسی و عربی است. ارمغان آصفی (داعی‌الاسلام، همان) واژه‌نامه‌ای شامل لغات و اصطلاحات فارسی از محمد عبدالغنی خان که در ۱۲۰۹ تألیف شده است. فرهنگ محتشمی از محمد وزیرخان سبقت جنگ محتشم‌الدوله که در ۱۸۷۵/۱۲۹۲ تألیف شده و شامل واژگان فارسی، عربی و ترکی است.

همه فرهنگ‌های نام‌برده اخیر، دارای مقدمه‌ای هستند که در آن منابع مورد استفاده مؤلف و مقصود از تألیف ذکر شده است. ترتیب الفبایی در مدخل‌ها تا حرف اول و دوم و گاه سوم رعایت شده است. آوانگاری از نوع توضیحی است. ریشه‌شناسی فقط در حد نشان دادن اصل واژگان، با اختصاراتی چون «ع» برای عربی، «فا» برای فارسی و «ت/تر» برای ترکی است که تنها در فرهنگ محتشمی قید شده است. در حوزه معنایی، تعریف کوتاه آمده جز برای مدخل‌های دایرة‌المعارفی که مفصل‌تر است، نظیر مدخل «هفت اقلیم» در غیاث‌اللغات. شواهد شعری از جمله ویژگی مشترک در مدخل‌های واژگانی این گونه فرهنگ‌هاست.

۴. فرهنگ‌های بی‌هنجار که شاید بتوان، مطابق طبقه‌بندی سییاک به نقل از هاشمی میناباد (۱۳۷۱: ۹۸)، به آنها فرهنگ‌های ساختگی نیز اطلاق کرد. مطابق تعریف سییاک، «فرهنگ‌های ساختگی بر فرهنگ‌هایی اطلاق می‌شود که فرهنگ‌نگار فهرستی از واژه‌هایی را تهیه کند که به اعتقاد او باید در فرهنگ بیاید» مراد از لفظ «بی‌هنجار» در این طبقه‌بندی، هنجارگریزی و فقدان روش‌مندی است. فرهنگ‌هایی که حوزه مدخل‌های آنها مشخص نیست، مانند نقایس‌اللغات، ضرورالمبتدی، تسهیل‌اللغات، گلدسته گفتار، اربع عناصر و فرهنگ حسینی (نقوی، ۱۳۴۱: ۲۲۵، ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۱۲۶) از این رده‌اند. در این رده، مدخل‌ها به سلیقه و دلخواه فرهنگ‌نگار و بدون ملاک مشخص اختیار شده‌اند. از این جمله‌اند: فرهنگ قاطع برهان (همو: ۱۳۱) که مؤلف آن، در نقدی بر برهان

قاطع، اشتباهات آن را فهرست و صورت‌های اصلاحی را بر پایه معلومات و اطلاعات شخصی خود ذکر کرده است. منتخب اللغات دنکینی (همو، ۱۲۴-۱۲۵) که مؤلف شماری از واژگان مهجور و مورد استفاده در لهجه‌های محلی خویش را گردآوری کرده است. هفت قلم که ترکیبی از یک واژه‌نامه و کتاب آموزشی در علم عروض، قافیه، صرف، نحو، بدیع و صنایع شعری است. در این فرهنگ، ترتیب الفبایی بر مبنای حرف آخر مدخل رعایت شده است.

نتیجه بررسی و طبقه‌بندی فرضی این فرهنگ‌ها نشان می‌دهد که همه آنها بر مبنای دیدگاه‌های ادبی تألیف شده‌اند؛ آرایش واژگانی منظمی ندارند؛ از آوانگاری و پیشینه مدخل اثری نیست و، در حوزه معنایی، الگوهای خاصی در نظر گرفته نشده است. فی الجمله، در این دوره، نمی‌توان به یک فرهنگ عمومی طبق تعریف حق‌شناس (۱۳۶۸: ۶۳) که «بخش واژگان زبان را در معنای عام و فراگیر دارا باشد» دست یافت.

منابع

- حق‌شناس، علی محمد: ۱۳۶۸، «یک اصل ساده فرهنگ‌نویسی»، آدینه (ویژه‌نامه فرهنگ و فرهنگ‌نویسی در ایران)، شماره ۳۳، ص ۶۲-۶۵؛ داعی‌الاسلام، سید محمد علی: ۱۳۶۲، فرهنگ نظام؛ دبیرسیاقی، محمد: ۱۳۶۸، فرهنگ‌های فارسی؛ غیاث‌الدین محمد، رامپوری (۱۲۴۱)، غیاث‌اللغات، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: معرفت؛ دیوان غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد خواجه حافظ شیرازی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر: (۱۳۷۰)؛ سامعی، حسین: ۱۳۶۸، «راهی که تا امروز پیموده‌ایم»، آدینه، (ویژه‌نامه فرهنگ و فرهنگ‌نویسی در ایران)، شماره ۳۳، ص ۷۲-۷۹؛ شمس‌اللغات، به کوشش جوزف برتو: ۱۳۲۰؛ طیب‌زاده قمصری، امید: ۱۳۶۸، «شیوه‌های آوانگاری در لغت‌نامه‌های فارسی و ضرورت تغییر آنها»، مجله زبان‌شناسی، سال ۶، شماره ۱، ص ۷۴-۷۸؛ محمد وزیرخان سبقت جنگ محتشم‌الدوله: ۱۲۹۳، فرهنگ محتشمی، حیدرآباد دکن؛ گلستان سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸؛ مؤذنی، علی محمد: ۱۳۷۲، «نگاهی کوتاه بر تاریخچه زبان و ادب فارسی در شبه قاره»، مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ج ۲، ص ۱-۷؛ نقوی، شهریار: ۱۳۴۱، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان؛ هاشمی میناباد، حسن: ۱۳۷۰، «طبقه‌بندی رده‌شناختی فرهنگ‌ها با نگرشی بر فرهنگ‌های دوزبانه»، مجله زبان‌شناسی، سال ۸، شماره ۱ و ۲، ص ۹۵-۱۰۸؛ همو: ۱۳۷۰، «مشخصه‌های فرهنگ‌نگاشتی اطلاعات زبانی و دایرة‌المعارفی فرهنگ»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۴، شماره ۱، ص ۳-۲۶

Sadeqi, Ali Ashraf 1995, "Dictionaries-Persian Dictionaries" in *Iranica*.